



دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی شیراز

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۲۲-۱

DOI: 10.22069/jead.2021.18881.1459

گرایش کارآفرینانه در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

مرضیه غلامی^۱، مهسا فاطمی^{۲*}

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

^۲استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

چکیده

یکی از اقدامات مؤثر برای کاهش نگرانی از موضوع بیکاری، پرورش گرایش و مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان است. هدف از مطالعه حاضر، واکاوی گرایش کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. جامعه آماری در این پژوهش توصیفی، کل دانشجویان دانشکده کشاورزی (۱۸۷۴ نفر) بوده که طبق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، نمونه‌ای ۳۶۵ نفره انتخاب و از طریق پرسشنامه، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. روایی صوری و پایایی پرسشنامه به ترتیب توسط اساتید بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز و انجام یک مطالعه راهنما از ۳۰ دانشجوی خارج از نمونه اصلی (دامنه‌ی ضرایب آلفای متغیرها بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۱) مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS26 و آمارهای توصیفی و استنباطی مورد سنجش قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر انواع مهارت‌های اشتغال‌پذیری، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار تفاوتی وجود ندارد. اما نتایج مقایسه‌ی بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تفاوت معناداری را از لحاظ، شرکت در کارگاه‌های مهارتی، برخورداری از مهارت‌های اشتغال‌پذیری و گرایش کارآفرینانه نشان داد؛ به طوری که میانگین متغیرها در دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی بالاتر از کارشناسی بود. همچنین، پاسخگویان از لحاظ میزان گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار به گروه‌هایی (کم، متوسط، زیاد) طبقه‌بندی شدند که تفاوت‌هایی بین پاسخگویان با سطوح مختلف گرایش و تمایل از لحاظ میزان مهارت‌های سه‌گانه اشتغال‌پذیری، میزان شرکت در کارگاه‌های مهارتی، تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ مشاهده شد. در نهایت، راهکارهای پیشنهادی در راستای ارتقای سطح گرایش کارآفرینانه و سطح مهارت اشتغال‌پذیری دانشجویان ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال‌پذیری، گرایش کارآفرینانه، تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار، کارآموزی، دانشگاه شیراز.

*نویسنده مسئول: mahsafatemi@shirazu.ac.ir

مقدمه

توسعه‌ی جوامع به طور مستقیم با ظرفیت ایجاد درآمد توسط افراد آن ارتباط دارد. یکی از بهترین و بهره‌ورترین روش‌های اشتغال‌زایی و افزایش درآمد افراد جامعه، بهره‌مندی از کارآفرینان است (Rezaei-Moghaddam and Izadi, 2019). در شرایط کنونی که به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور، بهره‌وری پایین و گرایش به تعدیل نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی، ورود دانش‌آموختگان دانشگاهی به بازار کار و بیکاری را به معضل بزرگ اقتصادی و اجتماعی مبدل نموده است، موضوع اشتغال و کارآفرینی یکی از دغدغه‌های اصلی است. ایجاد اشتغال و کارآفرینی و کاستن معضل بیکاری بویژه بیکاری جوانان یکی از شعارهای دولتمردان است (وطن‌خواه و رضائی‌مقدم، ۱۳۹۴). یکی از راه‌هایی که باعث کاهش نگرانی از موضوع بیکاری می‌شود، ایجاد و تقویت گرایش کارآفرینانه و همچنین پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان است. در واقع دانشجویان برخوردار از مهارت‌های کارآفرینی می‌توانند نوآوری کنند، فرصت‌های محیطی را بشناسند و با ترکیبی نو از منابع و فرصت‌ها و با پذیرش ریسک‌پذیری، روش و خدماتی ارائه دهند تا ضمن بقاء در محیط بی‌ثبات و رقابتی، از این نوآوری به کسب سود و درآمدزایی نیز برسند (بادزبان و همکاران، ۱۳۹۹ ب). طبق آمار مرکزی ایران نرخ بیکاری کشور به ۲/۱۲ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷). همچنین طبق آمار ارائه‌شده اخیر، ۱۴۷ هزار دانش‌آموخته‌ی کشاورزی وجود داشته که به ترتیب ۲۳، ۱۰ و ۴۰ درصد از آن‌ها در پست‌های مربوط به بخش دولتی، شرکت‌های خصوصی و حرفه‌های غیرمرتبط، مشغول به کار هستند. درحالی که ۲۷ درصد هنوز به دنبال شغل بوده‌اند (Jalali, 2004).

با توجه به جهانی شدن و تغییر و تحولات سریع، دانشگاه‌های پویا باید کارآفرین باشند و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق کنند (Clark, 2010). دانشگاه‌ها علاوه بر بهبود قابلیت اشتغال دانش‌آموختگان، به دنبال توسعه‌ی نسل جدید کارآفرینان هستند. سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد^۱ در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی در قرن ۲۱، دانشگاه نوین را این گونه معرفی نموده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار به منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان برای تبدیل شدن به مولدین کار، توسعه می‌یابد (Billing, 2003; Sanz-Velasco and Saemundsson, 2008). در دانشگاه‌های ایران از جمله دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز طی دهه‌ی اخیر، آموزش‌های کارآفرینانه متنوعی در قالب دروس انتخابی و همچنین برنامه‌های آموزشی فرابرنامه‌ای توسط نهادها و تشکلهایی همچون مرکز نوآوری و کارآفرینی دانشگاه، هسته کارآفرینی دانشکده و انجمن‌های علمی دانشجویی اجرا کرده‌اند. برخی اقدامات مهارت‌آموزی نیز در قالب انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی با اداره کل فنی و حرفه‌ای استان، سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و دانشگاه جامع علمی و کاربردی با استفاده از ظرفیت‌های مشترک پیگیری می‌شود.

در این راستا مفهومی که باید در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد، گرایش کارآفرینانه است. به این منظور که دانش، درک، توانایی‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های اکتسابی در دوران تحصیل باید به گونه‌ای باشد که منجر به تقویت گرایش و تمایل کارآفرینانه در آن‌ها گردد. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت که جامعه با دانش‌آموختگان و نیروی کاری مواجه شود که ضمن اشتیاق به یادگیری

از آنجا که تصمیم‌گیری برای کارآفرینی یک تصمیم داوطلبانه و آگاهانه محسوب می‌شود (Krueger et al., 2000)، گرایش کارآفرینانه، پیش‌درآمد و عامل مؤثر بر کسب مهارت‌های کارآفرینانه، اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار یا تصمیم‌گیری برای کارآفرین بودن و خلق یک کار جدید تلقی می‌شود (Wales, 2016)، بنابراین، تمرکز و توجه خاص نسبت به گرایش کارآفرینانه در دانشجویان باید به عنوان مکمل مجموعه مهارت‌های رهیافت اشتغال‌پذیری لحاظ گردد. رهیافت اشتغال‌پذیری در کنار تحقق روحیه و گرایش کارآفرینانه در دانشجویان است که خواهد توانست منجر به توسعه‌ی کسب‌وکارهای تجاری پس از دانش‌آموختگی گردد (Moriano and Gorgievski, 2007). کارفرمایان به طور کلی ترجیح می‌دهند دانش‌آموختگانی را به کارگیرند که از ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه بالاتری برخوردار باشند. مهم‌ترین سؤالی که وجود دارد، این است که چرا دانش‌آموختگان دانشگاهی متناسب با نیازهای بازار کار آموزش داده نمی‌شوند و برای اینکه دانش‌آموختگان قادر باشند وارد بازار کار شوند، چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای اشتغال نیاز دارند؟ لذا هدف کلی پژوهش حاضر، شناخت و واکاوی تطبیقی گرایش کارآفرینانه، مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز برای اشتغال‌پذیری در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است.

پیشینه پژوهش

حسینی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ی خود با هدف بررسی نقش گرایش کارآفرینانه صاحبان کسب‌وکارهای خانگی در بروز رفتارهای شبکه‌محور در زمینه‌ی تولید محصولات کشاورزی به این نتیجه رسیدند که گرایش‌های کارآفرینانه از جمله نوآوری، ریسک‌پذیری، پیشگامی، رقابت

مستمر با برخورداری از روحیه‌ی ریسک‌پذیری، پیشگامی، استقلال و رقابت‌تهاجمی، پذیرای انواع نوآوری‌های خلاقانه در راستای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای تجاری باشند (Covin and Lumpkin, 2011). گرایش کارآفرینانه فرآیندی است که فرد یا سازمان، راه‌های جدیدی را برای توسعه و تجاری‌سازی محصولات جدید، حرکت به سمت بازارهای جدید و ارائه‌ی خدمات جدید به مخاطبین خلق می‌کند (Hughes and Morgan, 2007). این مفهوم شامل نوآوری^۱، پیشگامی^۲، ریسک‌پذیری^۳، رقابت‌تهاجمی^۴ و استقلال‌طلبی^۵ است (Bosso et al., 2009; Covin and Lumpkin, 2011). نوآوری یعنی گرایش فرد برای به کارگیری و حمایت از ایده‌های جدید، تازگی، آزمایش‌گری و فرآیند خلاقانه؛ پیشگامی به معنای به دنبال فرصت‌ها بودن و برخورداری از نگرش پیش‌نگر در پیش‌بینی تقاضای آینده برای ایجاد تغییر و شکل دادن به محیط است. ریسک‌پذیری، به مفهوم تمایل فرد به تخصیص منابع اساسی به اقداماتی است که احتمال موفقیت یا شکست در آنها وجود دارد. رقابت‌تهاجمی نیز به تمایل یک فرد برای چالش شدید و مستقیم با رقبای خود برای دستیابی به ورودی یا بهبود موقعیت است و نهایتاً استقلال به فعالیت‌های مستقل و توانایی پیاده‌سازی ایده‌ها و اقدامات جدید فرد یا تیم اشاره دارد که با اتکای به خود و بدون وابستگی دیگران انجام دهند (Madanoglu et al., 2016; Rodrigo-Alarcón et al., 2017; Clausen and Korneliusen, 2012).

1. Innovativeness
2. Proactiveness
3. Risk-taking
4. Competitive Aggressiveness
5. Autonomy

عملکرد نوآوری کسب‌وکارهای مذکور دارد. در مطالعه‌ی مشابه دیگر نشان داده شد که دو مؤلفه‌ی پیشگامی و نوآوری از گرایش کارآفرینانه بر عملکرد کسب‌وکارها تأثیرگذار هستند و در مقابل، فاکتور ریسک‌پذیری، دارای رابطه منفی با عملکرد هست. دو مؤلفه‌ی رقابت تهاجمی و استقلال نیز تأثیری بر عملکرد کسب‌وکار در مرحله‌ی ابتدایی رشد کسب‌وکار ندارند (Hughes and Morgan, 2007).

در جمع‌بندی از مطالعات پیشین باید عنوان نمود که با توجه به افزایش عدم اطمینان محیطی، عدم قاطعیت و چالش‌های زیاد، یکی از راهکارهای مؤثر برای این که دانشجویان بتوانند خود را با تحولات سریع انطباق داده و به شکل پویا و زنده، اشتغال مد نظر خود راه ایجاد نموده و به حیات شغلی خود ادامه دهند، گرایش به سمت کارآفرینی است (Tajeddini, 2010؛ بادزبان و همکاران، ۱۳۹۹ الف).

روش پژوهش

مطالعه با بهره‌گیری از فن پیمایش انجام گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه طبق نظر اساتید بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز و پایایی آن با انجام مطالعه‌ی راه‌نما از یک نمونه ۳۰ نفری دانشجویان دانشگاه شیراز و خارج از دانشکده کشاورزی مورد سنجش و تأیید قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۱ بدست آمد. از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS برای انجام آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شد. جامعه مورد مطالعه، تمام دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (۱۸۷۴ نفر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده، نمونه‌ای ۳۶۵ نفره معرف از کلیه بخش‌های دانشکده انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند (جدول ۱)

تهاجمی و استقلال فرد در بروز رفتارهای شبکه محور و کسب اطلاعات، توانایی فرصت و منابع کلیدی تأثیر دارد، همچنین گرایش کارآفرینانه اعضای شرکت‌های تعاونی کشاورزی بر عملکرد آن‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. ولی رقابت تهاجمی بر عملکرد این شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری ندارد. زهیری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش دیگر نشان دادند که گرایش کارآفرینانه بر عملکرد مؤثر بوده و از میان مؤلفه‌های گرایش کارآفرینانه، پیشگامی، رقابت‌پذیری و ریسک‌پذیری بر عملکرد تأثیرگذار هستند و استقلال طلبی تأثیری بر عملکرد ندارد. از طرفی، نوآوری و قابلیت‌های بازاریابی نیز بر عملکرد مؤثرند. یافته‌های پژوهشی که با اساتید و دانشجویان یکی از دانشگاه‌های مالزی انجام گرفت، مؤید این بود که گرایش کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری بر میل به تجاری‌سازی و راه‌اندازی کسب‌وکار دارد (Ismail et al., 2015). همچنین یافته‌های ابراهیم و لوقی (Ibrahim and Lucky, 2014) در مورد دانشجویان نیجریه‌ای نشان داد که هر دو مؤلفه گرایش کارآفرینانه و مهارت‌های کارآفرینانه اثر مثبت و قوی بر خوداشتغالی دانشجویان دارد. در مطالعه‌ی مشابه دیگر نیز نقش میانجی و حدواسط متغیر گرایش کارآفرینانه از قابلیت‌اشتغال بر تمایل به خوداشتغالی در بین دانشجویان شرق آفریقا مورد تحلیل و تأیید قرار گرفت (Atitsogbe et al., 2019).

کانتور (Kantur, 2016) در مطالعه‌ی مشابه دیگر به نقش میانجی گرایش به کارآفرینی و عملکرد اشاره داشته و اظهار داشت که گرایش به کارآفرینی بر کارآفرینی استراتژیک تأثیر مثبت و معناداری دارد و کارآفرینی استراتژیک نیز بر عملکرد مالی و غیرمالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در همین راستا، ژای و همکاران (Zhai et al., 2018) نیز در مورد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در چین، دریافتند که گرایش کارآفرینانه تأثیر مستقیم و مثبت و معناداری بر

جدول ۱- نمونه کل مورد مطالعه به تفکیک بخش‌های مختلف آموزشی دانشکده

بخش آموزشی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
اقتصاد کشاورزی	۳۰	۸/۲	۸/۲
ترویج و آموزش کشاورزی	۳۶	۹/۹	۱۸/۱
تولید و ژنتیک گیاهی	۳۱	۸/۵	۲۶/۶
علوم باغبانی	۳۲	۸/۸	۳۵/۳
علوم دامی	۳۱	۸/۵	۴۳/۸
علوم خاک	۳۱	۸/۵	۵۲/۳
علوم و صنایع غذایی	۴۳	۱۱/۸	۶۴/۱
گیاهپزشکی	۴۰	۱۱	۷۵/۱
مهندسی آب	۳۰	۸/۲	۸۳/۳
مهندسی بیوسیستم	۳۰	۸/۲	۹۱/۵
مهندسی منابع طبیعی و محیط‌زیست	۳۱	۸/۵	۱۰۰
جمع کل	۳۶۵	۱۰۰	-

نتایج و بحث

می‌دهد که ۵۰/۴ درصد (۱۸۴ نفر) از دانشجویان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی، ۳۴ درصد (۱۲۴ نفر) از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۵/۶ درصد (۵۷ نفر) از آنان در مقطع دکتری در حال تحصیل هستند.

بیشترین درصد فراوانی مربوط به دانشجویان دختر بوده است. ۲۴۵ نفر از افراد مورد مطالعه را دختران و ۱۲۰ نفر را پسران تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان در جدول ۲ نشان

جدول ۲- توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کارشناسی	۱۸۴	۵۰/۴	۵۰/۸۴
کارشناسی ارشد	۱۲۴	۳۴	۸۴/۴
دکتری	۵۷	۱۵/۶	۱۰۰
جمع کل	۳۶۵	۱۰۰	-

آشنایی با شیوه مکاتبه و نامه‌نگاری رسمی (ارتباطات نوشتاری) (۳/۳۵) میانگین بالاتر از متوسط داشته‌اند. کمترین میانگین در این مجموعه مربوط به دانش تخصصی (۳/۲۸) است. در تطبیق با مطالعات مشابه پیشین، دانش‌آموختگان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، از شرایط اجتماعی مرتبط با کار، ارزیابی خوبی نداشته‌اند؛ به طوری که از نظر اکثریت مطلق این افراد، شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهم‌تر از برخورداری از مهارت ارزیابی شده است. در واقع دانش‌آموختگان

مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان: به منظور بررسی مهارت‌های آکادمیک دانشجویان، ۸ گویه مد نظر قرار داشت که بر اساس جدول ۳ میانگین مهارت‌های آکادمیک دانشجویان ۲۸/۱۶ برآورد شد. طیف متغیر (۴۰-۸) نشان‌دهنده‌ی مهارت‌های آکادمیک متوسط دانشجویان است. بالاترین میانگین مربوط به گویه‌ی قدرت بیان (۴/۷۲) بوده است. پس از آن به ترتیب گویه‌های سواد رایانه (۳/۶۹)، حل مسئله (۳/۶۸)، تفکر منطقی (۳/۶۴)، توانایی نوشتن طرح توجیهی (۳/۴۳)، توانایی کاربرد دانش (۳/۳۷) و

مذکور زمینه‌سازی دانشگاه، برای اشتغال‌پذیری را منفی ترسیم نموده و معتقدند که مقدمات آشنایی با انواع مهارت‌های نیازهای بازار در دانشگاه فراهم نمی‌شود (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹).

جدول ۳- توزیع فراوانی دانشجویان از نظر مهارت‌های آکادمیک

میانگین رتبه‌ای	کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم		مهارت‌های آکادمیک
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۲۸	۸/۵	۳۱	۴۱/۹	۱۵۳	۲۳/۳	۸۵	۲۱/۴	۷۸	۴/۹	۱۸	دانش تخصصی
۳/۳۷	۹/۶	۳۵	۴۷/۱	۱۷۲	۲۰/۵	۷۵	۱۶/۴	۶۰	۶/۳	۲۳	توانایی کاربرد دانش
۳/۶۴	۱۰/۷	۳۹	۵۴/۸	۲۰۰	۲۴/۷	۹۰	۷/۷	۲۸	۲/۲	۸	تفکر منطقی
۳/۶۸	۱۱/۲	۴۱	۵۶/۷	۲۰۷	۲۲/۷	۸۳	۷/۷	۲۸	۱/۶	۶	حل مسئله
۳/۴۳	۱۱/۲	۴۱	۴۳/۸	۱۶۰	۲۴/۹	۹۱	۱۵/۹	۵۸	۳/۸	۱۴	نوشتن طرح توجیهی
۳/۳۵	۱۲/۳	۴۵	۴۰/۸	۱۴۹	۲۱/۱	۷۷	۲۱/۴	۷۸	۴/۴	۱۶	ارتباطات نوشتاری
۴/۷۲	۱۲/۹	۴۷	۵۷/۳	۲۰۹	۷۳/۲۰	۷۴	۸/۲	۳۰	۱/۴	۳۵	قدرت بیان
۳/۶۹	۲۴/۴	۸۹	۴۳/۶	۱۵۹	۱۴/۲	۵۲	۱۲/۶	۴۶	۵/۲	۱۹	سواد رایانه
طیف: ۴۰-۸		میانگین کلی: ۲۸/۱۶				کمینه: ۸				بیشینه: ۴۰	

پرسشگری و توضیح خواستن از استاد یکی از عواملی است که باعث افزایش خلاقیت در افراد می‌شود و اهمیت روحیه‌ی پرسشگری، مخاطبین را برای اقدامات کارآفرینانه در آینده مجهز خواهد نمود. همچنین یافته‌های مطالعه‌ی عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داد که میانگین سطح مهارت‌های دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سطح نسبتاً متوسطی قرار دارد؛ به گونه‌ای که میانگین سطح مهارت دانشجویان نسبت به میانگین مطلوب تفاوت معنادار داشته و میزان مهارت مسئولیت‌پذیری و کارگروهی از میانگین مطلوب بالاتر، اما میزان مهارت‌های دانشجویان در ایجاد ارتباط، حل مسئله، انعطاف‌پذیری و سواد رایانه‌ای در سطح نامطلوبی قرار دارد.

به منظور بررسی مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان، ۱۰ گویه مد نظر قرار داشت که بر اساس جدول ۴ میانگین مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان ۳۷/۱۰ برآورد شد. طیف متغیر (۵۰-۱۰) نشان‌دهنده‌ی مهارت‌های توسعه فردی نسبتاً بالای دانشجویان است. بالاترین میانگین مربوط به گویه‌های پرسشگری (۴/۶۷) و مسئولیت‌پذیری (۴/۲۹) بوده است. پس از آن به ترتیب گویه‌های خودکارآمدی (۳/۸۹)، انگیزه‌ی قوی (۳/۸۴)، اشتیاق به یادگیری مستمر (۳/۶۵)، داشتن ایده‌های جدید و خلاقانه (۳/۶۵)، ارتباط اجتماعی (۳/۶۱)، تحمل شرایط سخت و پیچیده (۳/۵۸) و انتقادپذیری (۳/۵۱) میانگین نسبتاً بالایی داشته‌اند. کمترین میانگین مربوط به اطلاعات عمومی به روز (۳/۴۱) است. طبق نتایج مطالعه‌ی جکسون (Jackson, 2015) مهارت

جدول ۴- توزیع فراوانی دانشجویان از نظر مهارت‌های توسعه فردی

میانگین	کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم		مهارت‌های توسعه فردی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۸۹	۲۲/۷	۸۳	۵۱/۵	۱۸۸	۲۰	۷۳	۳/۶	۱۳	۲/۲	۸	خودکارآمدی
۳/۸۴	۱۶/۲	۷۹	۳۲/۹	۱۸۴	۲۷/۴	۷۳	۱۸/۴	۲۳	۵/۲	۶	انگیزه‌ی قوی
۳/۵۸	۱۵/۹	۵۸	۴۶/۳	۱۶۹	۲۰/۵	۷۵	۱۴/۲	۵۲	۳	۱۱	تحمل شرایط سخت
۴/۲۹	۴۱/۴	۱۵۰	۴۹/۶	۱۸۱	۷/۴	۲۷	۱/۴	۵	۰/۵	۲	مسئولت‌پذیری
۳/۶۵	۱۳/۲	۴۸	۴۶/۸	۱۸۱	۳۲/۹	۱۲۰	۶	۲۲	۱/۱	۴	ایده‌های جدید و خلاقانه
۳/۵۱	۱۶/۴	۶۰	۴۹/۹	۱۴۷	۲۱/۹	۸۰	۲۰/۳	۷۴	۱/۱	۴	انتقادپذیری
۴/۶۷	۱۵/۱	۵۵	۴۹/۹	۱۸۲	۲۳	۸۴	۱۱	۴۰	۱/۱	۴	پرسشگری
۳/۴۱	۱۰/۴	۳۸	۴۰	۱۴۶	۳۲/۳	۱۱۸	۴/۸	۵۴	۲/۵	۹	اطلاعات عمومی به‌روز
۳/۶۱	۲۹	۱۲۶	۳۳/۷	۱۲۳	۱۱/۲	۴۱	۲۱/۴	۷۸	۴/۷	۱۷	ارتباط اجتماعی
۳/۶۵	۱۸/۶	۶۸	۴۵/۲	۱۶۵	۲۲/۲	۸۱	۱۰/۷	۳۹	۳/۳	۱۲	اشتیاق به یادگیری مستمر
طیف: ۱۰-۵۰			میانگین کلی: ۳۷/۱۰			کمینه: ۲۰			بیشینه: ۵۰		

کار، نگرش و ویژگی‌های فردی دسته‌بندی شدند و از این بین، مؤلفه کارگروهی و روحیه کار تیمی در رأس مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری شناخته شد. همچنین پژوهش علی‌بیگی و همکاران (Alibaygi et al., 2013) در بین دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی استان‌های شرقی ایران نشان داد که مهارت‌های اشتغال‌پذیری نمونه‌ی مورد مطالعه در سطح متوسطی قرار دارد.

مقایسه‌ی میانگین متغیرهای پژوهش از نظر

جنسیت: جدول ۶، یافته‌های حاصل از نتایج آزمون t-test برای مقایسه‌ی میانگین دانشجویان دختر و پسر از نظر معدل، مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های توسعه فردی، مهارت‌های کسب‌وکار، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار را نشان می‌دهد. نتایج آزمون t-test نشان داد که میانگین متغیرهای معدل، مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های توسعه فردی، مهارت‌های کسب‌وکار، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. علی‌رغم مشاهده عدم تفاوت بین سطح مهارت‌ها، گرایش کارآفرینانه و تمایل به ایجاد کسب‌وکار در حین تحصیل، اما مطالعاتی مانند

به منظور بررسی مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان، ۱۱ گویه مد نظر قرار داشت که بر اساس جدول ۵ میانگین مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان ۳۷/۱۵ برآورد شد. طیف متغیر (۱۱-۵۵) نشان‌دهنده‌ی مهارت‌های توسعه‌ی کسب‌وکار در سطح متوسط دانشجویان است. بالاترین میانگین مربوط به گویه‌های مهارت‌های بین‌فردی (۴/۰۴)، ارائه ایده‌های خلاقانه برای رفع مشکلات (۳/۸۴) و توانایی اولویت‌بندی (۳/۸۲) بوده است. پس از آن به ترتیب گویه‌های توانایی هدایت کارکنان در رسیدن به اهداف شرکت (۳/۷۸)، توانایی برقراری تعاملات دوطرفه (۳/۷۳)، آشنایی با قوانین مربوط به فرآیند ثبت شرکت (۳/۵۵)، قدرت مدیریت و رهبری (۳/۲۹)، انعطاف‌پذیری (۳/۲۴)، آشنایی با اصول بازاریابی در کسب‌وکار (۳/۲۱) و روحیه‌ی کار تیمی (۳/۰۵) میانگین متوسطی داشته‌اند. کمترین میانگین مربوط به آگاهی دانشجویان از قوانین مربوط به ثبت ایده و اختراع (۲/۶۱) است. در پژوهش سرفینی اسدی ملفه و همکاران (۱۳۹۸) انواع مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری در قالب سه مقوله اصلی دانش و مهارت‌پذیری، دانش و مهارت‌های مرتبط با محیط

تأثیر معناداری بر میل به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از تحصیل بر نمونه مورد مطالعه دارد؛ به گونه‌ای که دانشجویان پسر تمایل قوی‌تری به ایجاد مشاغل کارآفرینانه دارند که از این حیث با یافته‌های پژوهش حاضر مغایرت دارد.

سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که دانش‌آموختگان پسر نسبت به دختران، امکان اشتغال، احساس ثبات شغلی و دارا بودن شغل ثابت، وضعیت بهتری دارند. همچنین یافته‌ی پژوهش ودا و فلورا (Voda and Florea, 2019) نیز نشان داد که جنسیت

جدول ۵- توزیع فراوانی دانشجویان از نظر مهارت‌های کسب‌وکار

میانگین رتبه‌ای	کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم		مهارت‌های کسب‌وکار
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۸۴	۱۸/۹	۶۹	۵۲/۹	۱۹۳	۲۱/۹	۸۰	۵/۸	۲۱	۰/۵	۲	ارائه ایده‌های کارآفرینانه در رفع نیازها
۳/۸۲	۱۸/۱	۶۶	۵۴/۵	۱۹۹	۲۰/۵	۷۵	۵/۲	۱۹	۱/۶	۶	توانایی اولویت‌بندی
۳/۲۹	۱۰/۷	۳۹	۳۴/۵	۱۲۶	۳۰/۷	۱۱۲	۲۱/۶	۷۹	۲/۵	۹	قدرت رهبری
۳/۷۸	۲۰/۵	۷۵	۴۵/۸	۱۶۷	۲۶	۹۵	۶/۸	۲۵	۰/۸	۳	توانایی هدایت کارکنان در تحقق اهداف
۳/۷۳	۱۶/۷	۶۱	۵۱	۱۸۶	۴۱/۴	۷۸	۱۰/۱	۳۷	۰/۸	۳	توانایی برقراری تعاملات دوطرفه
۴/۰۴	۱۰/۷	۳۹	۲۹/۹	۱۰۹	۲۸/۸	۷۶	۳۰/۱	۱۱۰	۸/۵	۳۱	مهارت‌های بین‌فردی
۳/۰۵	۲۸/۵	۱۰۴	۵۲/۹	۱۹۳	۱۴/۲	۵۲	۳/۶	۱۳	۰/۸	۳	روحیه‌ی کار تیمی
۳/۲۴	۱۰/۴	۳۸	۳۹/۵	۱۴۴	۱۸/۶	۶۸	۲۶/۳	۹۶	۵/۲	۱۹	انعطاف‌پذیری
۳/۲۱	۹/۹	۳۶	۳۴	۱۲۴	۲۹/۹	۱۰۹	۱۹/۷	۷۲	۶/۶	۲۴	آشنایی با اصول بازاریابی در کسب و کار
۲/۶۱	۴/۹	۱۸	۱۷/۳	۶۳	۲۷/۴	۱۰۰	۳۴/۲	۱۲۵	۱۶/۲	۵۹	آگاهی از قوانین ثبت ایده و اختراع
۳/۵۵	۴/۷	۱۷	۱۶/۷	۶۱	۲۶/۸	۹۸	۳۲/۳	۱۱۸	۱۹/۵	۷۱	آشنایی با قوانین ثبت شرکت
طیف: ۵۵-۱۱			میانگین کلی: ۳۷/۱۵			کمینه: ۱۵			بیشینه: ۵۳		

جدول ۶- نتایج آزمون تی تست حاصل از مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بین دانشجویان مختلف از لحاظ جنسیت

سطح معنی‌داری	T	پسر		دختر		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۱۲	۳/۶۷	۱/۷۶	۱۵/۶۱	۱/۵۴	۱۶/۲۷	معدل
۰/۰۶	-۲/۴۴	۴/۷۹	۲۷/۱۵	۵/۶۹	۲۷/۶۷	مهارت‌های آکادمیک
۰/۷۷	-۰/۳	۵/۳۷	۳۷/۲۳	۵/۴	۳۷/۰۴	مهارت‌های توسعه فردی
۰/۹۴	۰/۰۱	۵/۱۳	۳۷/۱۴	۵/۴۸	۳۷/۱۵	مهارت‌های کسب‌وکار
۰/۱۵	۱/۱۳	۱۶/۳۳	۷۰/۹۹	۱۴/۱	۶۹/۱۲	گرایش کارآفرینانه
۰/۵۱	۰/۱۱	۶/۲۷	۲۹/۴۸	۵/۹۷	۲۹/۵۶	تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار

• طیف متغیرها: مهارت‌های آکادمیک (۴۰-۸)؛ مهارت‌های توسعه فردی (۵۰-۱۰)؛ مهارت‌های کسب‌وکار (۵۵-۱۱)؛ گرایش کارآفرینانه (۰-۱۲۰) و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار (۴۵-۹).

۷ نشان می‌دهد که دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر معدل، اختلاف

مقایسه‌ی میانگین دانشجویان در مقاطع تحصیلی سه‌گانه: یافته‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول

که بین میانگین شرکت در کارگاه‌های مهارتی در مقطع کارشناسی ارشد با دکتری اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس میانگین شرکت در کارگاه‌های مهارتی دانشجویان در مقطع دکتری (۱۲/۷) بیشتر از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد (۶/۹۹) است. طبق نتایج آزمون LSD میانگین شرکت در کارگاه‌های مهارتی در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بین دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر شرکت در استارت‌آپ‌ها، اختلاف معناداری وجود ندارد.

معناداری ($P=0/0001$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین معدل در هر سه مقطع تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس معدل دانشجویان در مقطع دکتری (۱۷/۵۹) بیشتر از مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی است. پس از آن میانگین دانشجویان کارشناسی ارشد (۱۶/۳۱) بیشتر از دانشجویان کارشناسی (۱۴/۴۲) است. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه بین دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر شرکت در کارگاه‌های مهارتی، اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد

جدول ۷- تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه‌ی دانشجویان در مقاطع تحصیلی سه‌گانه

سطح معنی‌داری	F	دکتری		کارشناسی ارشد		کارشناسی		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۰۰۰۱	۴۹/۴۶	۱/۱۳	۱۷/۵۹ ^c	۱/۴۴	۱۶/۳۱ ^b	۱/۵۶	۱۴/۴۲ ^a	معدل
۰/۰۰۰۱	۱۷/۶۴	۱/۷۵	۱۲/۷ ^a	۰/۶۲	۶/۹۹ ^b	۰/۴۵	۶/۱۶ ^b	شرکت در کارگاه‌های مهارتی
۰/۱۴	۱/۹۷	۱/۶۵	۱/۵۶ ^a	۱/۶۶	۱/۲۸ ^a	۱/۴۹	۱/۱۰ ^a	شرکت در استارت‌آپ‌ها
۰/۰۰۰۱	۲۶	۵/۱۸	۳۱/۷۴ ^c	۴/۴۶	۲۹/۰۴ ^b	۵/۴۸	۲۶/۴۶ ^a	مهارت آکادمیک
۰/۰۰۰۱	۱۱/۴	۵/۱۹	۳۹/۷۲ ^c	۵/۰۶	۳۷/۵۰ ^b	۵/۳۵	۳۶/۰۲ ^a	مهارت توسعه فردی
۰/۰۰۰۱	۱۱/۸۷	۵/۸۹	۳۹/۴۹ ^b	۵/۲۱	۳۷/۸۶ ^b	۵/۳۸	۳۵/۹۴ ^a	مهارت کسب‌وکار
۰/۰۰۹	۴/۷۷	۵/۶۲	۳۱/۳۹ ^b	۶/۱۲	۲۹/۹۳ ^{ab}	۶/۰۳	۲۸/۷۰ ^a	تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار
۰/۰۰۰۱	۹/۶	۱۲/۲۹	۷۶/۴۰ ^c	۱۴/۶۱	۷۰/۷۶ ^b	۱۵/۱۱	۶۶/۹۸ ^a	گرایش کارآفرینانه

- میانگین‌های با حروف یکسان در هر ردیف تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال ۰/۰۵ نداشته‌اند.
- طیف تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها (۰-۶)، مهارت‌های آکادمیک (۰-۴۰)، مهارت‌های توسعه‌ی فردی (۰-۱۰۰)، مهارت‌های کسب‌وکار (۰-۱۱-۵۵)، گرایش کارآفرینانه (۰-۱۲۰) و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار (۰-۴۵-۹).

است، پس از آن مهارت‌های آکادمیک دانشجویان کارشناسی ارشد (۲۹/۰۴) بیشتر از دانشجویان کارشناسی (۲۶/۴۶) است. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر مهارت‌های توسعه فردی، اختلاف معناداری ($P=0/0001$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین مهارت‌های توسعه فردی در هر سه مقطع تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس

یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۷ نشان می‌دهد که دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر مهارت‌های آکادمیک، اختلاف معناداری ($P=0/0001$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین مهارت‌های آکادمیک در هر سه مقطع تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس مهارت‌های آکادمیک دانشجویان در مقطع دکتری (۳۱/۷۴) بیشتر از مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی

مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان در مقطع دکتری (۳۹/۷۲) بیشتر از مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی است، پس از آن مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان کارشناسی ارشد (۳۷/۵۰) بیشتر از دانشجویان کارشناسی (۳۶/۰۲) است. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه، دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر مهارت‌های کسب‌وکار، اختلاف معناداری ($P=0/0001$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین مهارت‌های کسب‌وکار در مقطع کارشناسی با کارشناسی ارشد اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس میانگین مهارت‌های کسب‌وکار در بین دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد (۳۷/۸۶) بیشتر از دانشجویان در مقطع کارشناسی (۳۵/۹۴) است. طبق نتایج آزمون LSD میانگین مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مطالعه‌ی شادفر و همکاران (۱۳۹۰) نیز دانشجویان مقاطع مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان، تهران و شهید بهشتی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که میزان انطباق برنامه‌ی درسی رشته‌های مذکور با نیازهای دانشجویان کمتر از حد متوسط بوده و به عبارت دیگر برنامه‌های درسی پاسخگوی نیاز دانشجویان در راستای تقویت مهارت‌های مورد نیاز آنان برای اشتغال نیست. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۷ نشان می‌دهد که دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار، اختلاف معناداری ($P=0/009$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در هر سه مقطع تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس تمایل دانشجویان به راه‌اندازی

کسب‌وکار در مقطع دکتری (۳۱/۳۹) بیشتر از مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی است. پس از آن تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار دانشجویان کارشناسی ارشد (۲۹/۹۳) بیشتر از دانشجویان کارشناسی (۲۸/۷۰) است. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از نظر گرایش کارآفرینانه، اختلاف معناداری ($P=0/0001$) دارند. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین گرایش کارآفرینانه در هر سه مقطع تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد. بر این اساس گرایش کارآفرینانه دانشجویان در مقطع دکتری (۷۶/۴۰) بیشتر از مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی است، پس از آن گرایش کارآفرینانه دانشجویان کارشناسی ارشد (۷۰/۷۶) بیشتر از دانشجویان کارشناسی (۶۶/۹۸) است. این یافته با نتایج مطالعه‌ی خوشنویسان و همکاران (۱۳۹۵) نیز همخوانی دارد، به گونه‌ای که در آن پژوهش نیز بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از لحاظ گرایش کارآفرینانه تفاوت وجود داشت.

گذراندن دوره کارآموزی: نتایج توزیع فراوانی (جدول ۸) در رابطه با گذراندن درس کارآموزی نشان می‌دهد که ۵۵/۶ درصد از دانشجویان درس کارآموزی را گذرانده‌اند و ۴۴/۴ درصد از آن‌ها این درس را نگذرانده‌اند. نگرش به دوره‌ی کارآموزی از دو متغیر کلی نگرش به کارآموزی فعلی (آنچه هست) و نگرش به کارآموزی مطلوب (آنچه باید باشد) مورد سنجش قرار گرفت. بر اساس جدول ۹ میانگین نگرش دانشجویان به کارآموزی فعلی، ۱۰/۴۲ برآورد شد. با توجه به طیف متغیر (۲۰-۴) این میانگین نشان‌دهنده نگرش نسبتاً نامساعد دانشجویان به درس کارآموزی فعلی است. گویه‌ی عدم کاربردی بودن حضور دانشجو در مراکز و سازمان‌هایی که میزبان دوره فعلی کارآموزی آن‌ها هستند (۴/۲۰) دارای

دروس پس از گذراندن دوره‌ی کارآموزی فعلی نیز، کمترین میانگین (۲/۲۳) را به خود اختصاص داده است.

بیشترین میانگین بوده و پس از آن به ترتیب گویه‌های واگذاری فعالیت‌های غیرمرتبط با رشته (۴/۱۵) و عدم آشنایی با محیط‌های کاری مرتبط با رشته در اکثر موارد (۳/۶۶) قرار گرفته و گویه‌ی بهتر فهمیدن

جدول ۸- توزیع فراوانی دانشجویان از نظر گذراندن درس کارآموزی

گذراندن درس کارآموزی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
بلی	۲۰۳	۵۵/۶	۵۵/۶
خیر	۱۶۲	۴۴/۴	۱۰۰
جمع کل	۳۶۵	۱۰۰	-

پس از ارائه آمار توصیفی گذراندن دوره کارآموزی و نگرش دانشجویان به این دوره، به هدف مقایسه گروه‌های مختلف دانشجویی که دوره کارآموزی را گذرانده و گروهی که تاکنون دوره را نگذرانده‌اند، آزمون مقایسه میانگین گرفته شد. جدول ۱۰، یافته‌های حاصل از نتایج آزمون t-test برای مقایسه‌ی میانگین کارگاه‌های مهارتی، تجربه دروس کارآفرینی، شرکت در استارت‌آپ‌ها، مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های توسعه فردی، مهارت‌های کسب‌وکار، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار بین دانشجویان از نظر گذراندن یا نگذراندن دوره کارآموزی را نشان می‌دهد. نتایج آزمون t-test نشان داد که میانگین تجربه دروس کارآفرینی در دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری دارد، به عبارتی این میانگین برای کسانی که دوره کارآموزی را گذرانده‌اند بیشتر (۳/۱۹) بوده است. نتایج آزمون t-test نیز نشان داد که بین میانگین شرکت در استارت‌آپ‌ها در دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میانگین متغیر شرکت در استارت‌آپ‌ها برای کسانی که دوره کارآموزی را گذرانده‌اند، نسبت به کسانی که این دوره را نگذرانده‌اند بالاتر است (۱/۷۶ در مقابل ۰/۸).

از سوی دیگر میانگین نگرش پاسخگویان به کارآموزی مطلوب معادل ۲۲/۷۶ است که بیانگر ضرورت اصلاح دوره‌ی کارآموزی از نظر دانشجویان در راستای سودمندی بیشتر دوره است. بنابراین طبق یافته‌ها نیز مشاهده می‌شود که گویه‌ی اصلاح شیوه اجرایی شدن دوره کارآموزی (۴/۲۰)، آشنایی دانشجویان با محیط‌های احتمالی شغلی خود در آینده (۳/۹۷) و افزایش امکان به اشتغال در سازمان‌های مربوطه (۴/۱۰) رتبه‌های بالایی داشته‌اند و نشان‌دهنده‌ی این است که دانشجویان آشنایی با محیط‌های احتمالی شغلی خود در آینده و اصلاح شیوه‌ی اجرایی شدن دوره کارآموزی را امری مؤثر و کاربردی می‌دانند. پس از آن به ترتیب گویه‌های پیوند بین دروس تئوری دانشگاه در عمل و محیط واقعی اجتماع (۳/۹۳)، آشنایی با افراد متخصص و باتجربه (۳/۸۶) و دید مثبت نسبت به اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار (۳/۸۶) قرار گرفته‌اند؛ لذا دانشجویان امیدوارند که با آشنایی با صاحبان مشاغل متخصص و باتجربه در رشته‌ی تحصیلی خود در قالب گذراندن دوره کارآموزی مطلوب، آینده‌ی شغلی خود پس از تحصیل را تضمین کنند. آن‌ها همچنین معتقدند که گذراندن دروس کارآموزی باید در راستای ایجاد پیوند بین دروس تئوری دانشگاه در عمل و محیط واقعی اجتماع باشد.

جدول ۹- توزیع فراوانی دانشجویان از نظر نگرش به دوره‌ی کارآموزی

میانگین رتبه‌ای	کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالقم		کاملاً مخالفم		نگرش به دوره کارآموزی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴/۲۰	۴۱/۶	۱۵۲	۴۴/۴	۱۶۲	۷/۷	۲۸	۳	۱۱	۳/۳	۱۲	عدم کاربردی بودن حضور در مراکز و سازمان‌های میزبان
۳/۶۶	۲۷/۴	۱۰۰	۳۲/۹	۱۲۰	۱۶/۲	۵۹	۱۸/۴	۶۷	۵/۲	۱۹	عدم آشنایی با محیط‌های کاری مرتبط با رشته
۴/۱۵	۳۰/۱	۱۱۰	۳۴/۵	۱۲۶	۱۸/۱	۱۰۶	۱۴	۵۱	۳/۳	۱۲	واگذاری فعالیت‌های غیرمرتبط با رشته به دانشجویان
۲/۲۳	۳/۳	۱۲	۴/۹	۱۸	۱۱/۲	۴۱	۵۲/۹	۱۹۳	۲۷/۷	۱۰۱	بهتر فهمیدن دروس پس از گذراندن کارآموزی فعلی
۴/۱۸	۳۴	۱۲۴	۳۱/۵	۱۱۵	۹	۳۳	۱۵/۶	۵۷	۹/۹	۳۶	آشنایی دانشجویان با محیط‌های احتمالی شغلی آینده
۴/۱۰	۲۸/۵	۱۰۴	۴۹/۹	۱۸۲	۱۱/۲	۴۱	۶/۸	۲۵	۳/۶	۱۳	افزایش امکان اشتغال در سازمان مربوطه
۳/۹۳	۳۵/۶	۱۳۰	۳۲/۱	۱۱۷	۱۴/۸	۵۴	۱۱/۵	۴۲	۶	۲۲	پیوند بین دروس تئوری دانشگاه در عمل و محیط واقعی
۴/۲۰	۴۱/۱	۱۵۰	۴۰/۳	۱۴۷	۱۶/۷	۶۱	۱/۱	۴	۰/۸	۳	اصلاح شیوه اجرایی شدن دوره کارآموزی فعلی
۳/۶۷	۱۸/۶	۶۸	۴۷/۷	۱۷۴	۲۰/۳	۷۴	۹/۳	۳۴	۴/۱۰	۱۵	دید مثبت نسبت به اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار
۳/۸۶	۲۳/۸	۸۷	۵۱/۸	۱۸۹	۱۴/۵	۵۳	۶/۳	۲۳	۳/۶	۱۳	آشنایی با افراد متخصص و باتجربه مؤثر در اشتغال آینده
بیشینه: ۲۰		کمینه: ۴		طیف: ۴-۲۰		۱۰/۴۲ (۴ گویه اول):					
بیشینه: ۳۰		کمینه: ۶		طیف: ۶-۳۰		۲۲/۷۶ (۶ گویه آخر):					

نقشی مؤثر در ارتقای سطوح مهارتی دانشجویان، تقویت گرایش کارآفرینانه و ایجاد تمایل در دانشجویان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار باشد؛ اما طبق یافته‌ها دوره کارآموزی با شیوه‌ی فعلی، در این رابطه موفق نبوده است و تفاوتی بین دانشجویانی که دوره را گذرانده با گروهی که هنوز نگذرانده‌اند، مشاهده نشده است؛ لذا بنظر می‌رسد که نحوه‌ی اجرایی شدن دوره‌های کارآموزی در راستای تطبیق با اهداف مهارت‌آموزی و قابلیت‌اشتغال نیاز به بازنگری اساسی و اصلاح دارد.

بنابراین دانشجویانی که دوره‌ی کارآموزی را گذرانده‌اند، به میزان بیشتری نیز در استارت‌آپ‌ها و دروس مرتبط با کارآفرینی شرکت کرده‌اند. همچنین، بر اساس نتایج آزمون t-test بین میانگین متغیرهای کارگاه‌های مهارتی، مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های توسعه فردی، مهارت‌های کسب‌وکار، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در دانشجویانی که دوره کارآموزی را گذرانده‌اند و دانشجویانی که این دوره را نگذرانده‌اند، تفاوت معنی‌داری ندارد. نکته‌ی قابل‌تأمل این است که دوره‌های کارآموزی علی‌رغم این‌که انتظار می‌رود تا

جدول ۱۰- نتایج آزمون تی تست حاصل از مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بین دانشجویان مختلف از نظر گذراندن یا نگذراندن دوره کارآموزی

سطح معنی داری	T	بلی		خبر		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۸۸	۲/۲۱	۷/۶۸	۷/۹۴	۸/۹۱	۶/۰۱	کارگاه‌های مهارتی
۰/۰۰۰۱	-۶/۰۹	۳/۱۹	۳/۲۹	۲/۴۷	۱/۴۸	تجربه دروس کارآفرینی
۰/۰۰۰۱	-۵/۰۶	۱/۷۶	۱/۵۸	۱/۱۹	۰/۸	شرکت در استارت‌آپ‌ها
۰/۱۴	-۲/۶۴	۵/۱۳	۲۸/۸۳	۵/۷۳	۲۷/۳۲	مهارت‌های آکادمیک
۰/۸۶	۰/۰۸	۵/۴۱	۳۷/۰۸	۵/۳۶	۳۷/۱۳	مهارت‌های توسعه فردی
۰/۷۲	-۱/۳۳	۵/۴۲	۳۷/۴۸	۵/۲۸	۳۶/۷۳	مهارت‌های کسب‌وکار
۰/۹۲	-۰/۲۶	۱۵/۱۶	۶۹/۹۲	۱۴/۵۵	۶۹/۵۰	گرایش کارآفرینانه
۰/۹۹	-۰/۴۷	۶/۱	۲۹/۶۷	۶/۰۳	۲۹/۳۶	تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار

لحاظ ابعاد پنج‌گانه گرایش کارآفرینانه را نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول، پاسخگویان از لحاظ گرایش کارآفرینانه در سطح متوسط قرار دارند؛ این مورد در تمام پنج مؤلفه نیز به همین صورت بوده که نشان‌دهنده وضعیت در حد متوسط دانشجویان دانشکده کشاورزی از لحاظ گرایش کارآفرینانه است.

گرایش کارآفرینانه دانشجویان: متغیر گرایش کارآفرینانه با پنج مؤلفه‌ی اصلی نوآوری، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، پیشگامی و رقابت‌تأجیمی موردسنجش و بررسی قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که برای هر مؤلفه، تعدادی پرسش در پرسشنامه قرار گرفت. جدول ۱۱، وضعیت دانشجویان مورد مطالعه از

جدول ۱۱- آمار توصیفی مربوط به متغیر گرایش کارآفرینانه دانشجویان

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	دامنه	طیف
نوآوری	۱۳/۵۷	۲/۷۱	۶	۲۱	۱۵	۰-۲۴
ریسک‌پذیری	۱۲	۳/۸۹	۱	۲۴	۲۳	۰-۲۴
استقلال‌طلبی	۱۰/۶۱	۳/۶۳	۰	۲۰	۲۰	۰-۲۰
پیشگامی	۱۸/۶۷	۵/۲۵	۳	۲۸	۲۵	۰-۲۸
رقابت‌تأجیمی	۱۴/۸۸	۳/۸۸	۳	۲۴	۲۱	۰-۲۴
گرایش کارآفرینانه	۶۹/۷۳	۱۴/۸۸	۲۸	۱۰۸	۸۰	۰-۱۲۰

دانشجویان در سطح کم با سطوح متوسط و زیاد گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه کم (۱۵/۴۸) کمتر از دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه متوسط (۱۶/۱۶) و زیاد (۱۶/۱۶) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که معدل بالاتری داشته‌اند، گرایش کارآفرینانه بیشتری نیز دارند. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه بین میانگین دیدگاه دانشجویان به کارآموزی

پاسخگویان از لحاظ امتیاز گرایش کارآفرینانه به سه گروه دانشجویان با گرایش کم، متوسط و زیاد طبقه‌بندی شدند تا با انجام تحلیل واریانس، این سه گروه با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه را بتوان مورد مقایسه و تحلیل قرار داد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۱۲ نشان داد که بین میانگین معدل دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری ($P=0/019$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین معدل

با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد.

طبق نتایج تحلیل واریانس یک طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه از نظر شرکت در استارتاپ اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطح زیاد با سطوح متوسط و کم گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه زیاد ($1/80$) بیشتر از دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه متوسط ($1/25$) و کم ($0/59$) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که بیشتر

در استارتاپ شرکت کرده‌اند، گرایش کارآفرینانه بیشتری نیز دارند. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین میانگین مزایای استارتاپ از نظر دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود ندارد. مطالعه‌ی بارانی و همکاران (1389) بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه پیام‌نور کرمانشاه نیز نشان داد که آموزش‌های کارآفرینی در راستای ارتقای سطح مهارت‌های مخاطبین بر نگرش‌ها و گرایش‌های کارآفرینانه، هنجار ذهنی و باور به خودکارآمدی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول ۱۲- تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه برخی متغیرها در سه گروه دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه

سطح معنی‌داری	F	زیاد		متوسط		کم		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
0/019	3/98	1/46	16/16 ^b	1/66	16/16 ^b	1/66	15/48 ^a	معدل
0/0001	8/63	1/80	1/80 ^c	1/57	1/25 ^b	1/10	0/59 ^a	تجربه‌ی شرکت در استارتاپ‌ها
0/072	2/65	2/42	9/48 ^a	2/32	8/87 ^a	2/52	8/46 ^a	مزایای استارتاپ
0/0001	41/27	4/18	31/71 ^c	4/89	28/43 ^b	5/74	23/38 ^a	مهارت آکادمیک
0/0001	91/25	3/50	42/61 ^c	4/4	37/15 ^b	5/06	31/38 ^a	مهارت توسعه فردی
0/0001	87/77	4/69	42/68 ^c	4/19	37/15 ^b	5/08	31/63 ^a	مهارت کسب‌وکار

- میانگین‌های با حروف یکسان در هر ردیف تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال 0/05 نداشته‌اند.
- طیف متغیرها: تجربه شرکت در استارتاپ‌ها (0-6)؛ مزایای استارتاپ (0-12)؛ مهارت‌های آکادمیک (40-8)؛ مهارت‌های توسعه‌ی فردی (50-10)؛ مهارت‌های کسب‌وکار (55-11).

که مهارت‌های آکادمیک بیشتری دارند، گرایش کارآفرینانه بیشتری نیز دارند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه از نظر مهارت‌های توسعه‌ی فردی اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه زیاد ($42/61$) بیشتر از دانشجویان با سطح گرایش

طبق نتایج تحلیل واریانس یک طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه از نظر مهارت‌های آکادمیک اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطح زیاد، متوسط و کم گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه زیاد ($31/71$) بیشتر از دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه متوسط ($28/43$) و کم ($23/38$) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی

راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح زیاد تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار (۳۸/۰۲) به ترتیب بیشتر از دانشجویان با سطح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار متوسط (۳۷/۸۴) و کم (۳۴/۵۳) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که نگرش بهتری به دوره‌ی کارآموزی دارند، تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دارند.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که بین میانگین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر شرکت در استارت‌آپ اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۵) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین شرکت در استارت‌آپ در پاسخگویان از لحاظ تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در سطوح مختلف کم، متوسط و زیاد، اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح تمایل زیاد به راه‌اندازی کسب‌وکار (۱/۸۱) به ترتیب بیشتر از دانشجویان با سطح تمایل متوسط به راه‌اندازی کسب‌وکار (۱/۲۴) و تمایل کم (۰/۷۸) است؛ بنابراین می‌توان گفت، دانشجویانی که بیشتر در استارت‌آپ‌ها شرکت کرده‌اند تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دارند. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۱۳ بین میانگین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر مزایای استارت‌آپ اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۳) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین مزایای استارت‌آپ در سطوح کم و متوسط تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار با سطح زیاد تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح کم تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار (۸/۳) کمتر از دانشجویان با سطح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار متوسط (۸/۸۰) و زیاد

کارآفرینانه متوسط (۳۷/۱۵) و کم (۳۱/۳۸) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که مهارت‌های توسعه‌ی فردی بیشتری دارند، گرایش کارآفرینانه بیشتری نیز دارند. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۱۱ نشان داد که بین دانشجویان با سطوح مختلف گرایش کارآفرینانه از نظر مهارت‌های کسب‌وکار اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۰۱) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه زیاد (۴۲/۶۷) بیشتر از دانشجویان با سطح گرایش کارآفرینانه متوسط (۳۷/۱۵) و کم (۳۱/۶۳) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که مهارت‌های کسب‌وکار بیشتری دارند، گرایش کارآفرینانه بیشتری نیز دارند.

مقایسه دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار: دانشجویان مورد مطالعه همچنین از لحاظ سطح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از دانش‌آموختگی نیز به سه گروه دانشجویان با تمایل کم، متوسط و زیاد تقسیم شدند تا بتوان مقایسه‌هایی را نیز بین این سه گروه با سطوح تمایل متفاوت انجام داده و مقایسه کرد. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۱۳ نشان داد که بین میانگین معدل دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری (P=۰/۱۲) وجود ندارد. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین میانگین نگرش دانشجویان به دوره‌ی کارآموزی مطلوب با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۰۱) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین نگرش دانشجویان به دوره‌ی کارآموزی مطلوب در سطوح کم، متوسط و زیاد از نظر تمایل به

همچنین نتایج یافته‌های بل (Bell, 2016) نیز تأییدکننده این موضوع است که دانشجویانی که در دوران تحصیل در حوزه‌های کارآفرینی و مهارتی فعال‌تر بوده و در استارت‌آپ‌ها و سایر رویدادها حضور و مشارکت فعال داشتند و همچنین سطح گرایش کارآفرینانه بالاتری دارند، در دوره‌ی زمانی شش ماه پس از دانش‌آموختگی در مشاغل حرفه‌ای و مدیریتی مشغول به کار شده‌اند.

(۱۰/۰۲) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که بیشتر مزایای استارت‌آپ‌ها را درک کرده‌اند، تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دارند. در پژوهشی با عنوان گرایش به راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی بر پایه شور و شوق کارآفرینانه بین دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، گذراندن دوره‌های آموزش‌های کارآفرینی در افزایش تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در بین دانشجویان مؤثر بوده است (علم‌بیگی، ۱۳۹۴)،

جدول ۱۳- تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه برخی متغیرها در سه گروه دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار

سطح معنی‌داری	F	زیاد		متوسط		کم		متغیر
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۱۲	۲/۱۲	۱/۶۰	۱۶/۴۷ ^a	۱/۶۷	۱۶/۰۵ ^a	۱/۵۱	۱۵/۷۹ ^a	معدل
۰/۰۰۲	۶/۳۰	۳/۶۲	۲۳/۶۲ ^c	۴/۳۴	۲۲/۷۰ ^b	۴/۶۳	۲۱/۱۱ ^a	نگرش به دوره‌ی کارآموزی مطلوب
۰/۰۰۵	۵/۴۵	۱/۹۶	۱/۸۱ ^c	۱/۵۵	۱/۲۴ ^b	۱/۲۲	۰/۷۸ ^a	تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها
۰/۰۰۳	۵/۸۷	۱/۹۰	۱۰/۰۲ ^a	۲/۳۳	۸/۸۰ ^b	۲/۶۷	۸/۳ ^b	مزایای استارت‌آپ
۰/۰۰۰۱	۱۷/۶۲	۶/۳۰	۲۹/۸۶ ^c	۴/۷۳	۲۸/۶۹ ^b	۶/۲۹	۲۴/۶۰ ^a	مهارت آکادمیک
۰/۰۰۰۱	۲۴/۰۸	۵/۲۸	۴۰/۴۷ ^c	۴/۸۹	۳۷/۳۵ ^b	۵/۶۳	۳۳/۶۰ ^a	مهارت توسعه فردی
۰/۰۰۰۱	۳۳/۵۸	۵/۹۱	۴۰/۶۷ ^c	۴/۶۴	۳۷/۵۳ ^b	۵/۴۱	۳۲/۹۳ ^a	مهارت کسب‌وکار
۰/۰۰۰۱	۵۴/۷۳	۱۱/۶۵	۸۲/۶۳ ^c	۱۲/۴۸	۷۰/۷۶ ^b	۱۶/۲۲	۵۶/۰۲ ^a	گرایش کارآفرینانه

- میانگین‌های با حروف یکسان در هر ردیف تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال ۰/۰۵ نداشته‌اند.
- طیف متغیرها: نگرش به دوره‌ی کارآموزی (۳۰-۶)؛ تجربه شرکت در استارت‌آپ‌ها (۰-۶)؛ مزایای استارت‌آپ (۰-۱۲)؛ مهارت‌های آکادمیک (۴۰-۸)؛ مهارت‌های توسعه‌ی فردی (۱۰-۵۰)؛ مهارت‌های کسب‌وکار (۱۱-۵۵)؛ گرایش کارآفرینانه (۰-۱۲۰).

طبق نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر مهارت‌های آکادمیک اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۰۱) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد. به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح تمایل زیاد به راه‌اندازی کسب‌وکار (۴۰/۴۷) بیشتر از دانشجویان با سطوح تمایل به راه‌اندازی

طبق نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر مهارت‌های آکادمیک اختلاف معناداری (P=۰/۰۰۰۱) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح تمایل زیاد به راه‌اندازی کسب‌وکار (۲۹/۸۶) بیشتر از دانشجویان با سطوح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار متوسط (۲۸/۶۹) و کم (۲۴/۶۰) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی

دانشگاهی به طور کلی و همچنین با نگاهی ویژه به آمار بالای دانش‌آموختگان جویای کار در بخش کشاورزی و از سوی دیگر با عنایت به سطح مهارت پایین و عملکرد نسبتاً ضعیف نیروی کار در مشاغل مختلف، هدف کلی پژوهش حاضر تحلیل گرایش کارآفرینانه دانشجویان دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز بود. یافته‌ها نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ متغیرهای تجربه‌ی دروس کارآفرینی، تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها، انواع مهارت‌های قابلیت‌اشتغال، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اجرای اقدامات پیشنهادی برای تقویت گرایش کارآفرینانه، قابلیت‌اشتغال و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار نیازی به تفاوت قائل شدن از لحاظ جنسیتی وجود ندارد و شرایط برای کسب مهارت‌های اشتغال‌پذیری، تقویت گرایش کارآفرینانه و اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار در هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر در صورت فراهم شدن شرایط لازم نسبتاً یکسان خواهد بود.

مقایسه دیدگاه دانشجویانی که دوره کارآموزی را گذرانده‌اند با گروهی که این دوره را نگذرانده‌اند، نشان داد که تفاوت معناداری بین این دو گروه از لحاظ متغیرهایی همچون انواع سطوح مهارت سه‌گانه اشتغال‌پذیری، گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار وجود ندارد؛ حال آن‌که انتظار می‌رود که دانشجویان با سپری نمودن این دوره عملی و آشنایی نزدیک با انواع مشاغل و سازمان‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود، آمادگی و گرایش لازم را کسب نمایند؛ لذا بنظر می‌رسد که دوره کارآموزی فعلی، چندان سودمند و مؤثر نبوده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که شیوه‌ی اجرایی، نظارت و ارزیابی دوره‌های کارآموزی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد تا مؤلفه‌هایی همچون پیوند بین دروس تئوری و

کسب‌وکار متوسط (۳۷/۳۵) و کم (۳۳/۶۰) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که مهارت‌های توسعه‌ی فردی بیشتری دارند، تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دارند. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۴-۳۳ نشان داد که بین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر مهارت‌های کسب‌وکار اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح تمایل زیاد به راه‌اندازی کسب‌وکار (۴۰/۶۷) بیشتر از دانشجویان با سطح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار متوسط (۳۷/۵۳) و کم (۳۲/۹۳) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که مهارت‌های کسب‌وکار بیشتری دارند، تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دارند. طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین دانشجویان با سطوح مختلف تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار از نظر گرایش کارآفرینانه اختلاف معناداری ($P=0/0001$) وجود دارد. نتایج آزمون LSD نشان داد که بین میانگین دانشجویان در سطوح زیاد، متوسط و کم تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اختلاف معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که این میانگین در دانشجویان با سطح تمایل زیاد به راه‌اندازی کسب‌وکار (۸۲/۶۳) بیشتر از دانشجویان با سطح تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار متوسط (۷۰/۷۶) و کم (۵۶/۰۲) است؛ بنابراین می‌توان گفت که دانشجویانی که گرایش کارآفرینانه بیشتری دارند، تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار بیشتری نیز دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به معضل بیکاری دانش‌آموختگان

مهارت‌های سه‌گانه اشتغال‌پذیری خواهد بود. اما دانشجویان مقاطع مختلف از نظر تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌های مختلف، تفاوتی نداشتند و میزان حضور مخاطبین در هر سه مقطع تحصیلی پایین‌تر از میانگین بود. دلیل احتمالی این امر، عدم برگزاری مستمر استارت‌آپ در دانشکده و دانشگاه است. پیشنهاد می‌شود تا این رویدادهای کارآفرینانه با همکاری پارک‌های علم و فناوری و سایر نهادهای ذی‌ربط برگزار شود تا سکوی پرشی برای دانشجویان صاحب‌ایده باشد.

مقایسه دانشجویان مقاطع تحصیلی از لحاظ انواع مهارت‌های آکادمیک، توسعه فردی و کسب‌وکار نیز تفاوت‌هایی را نشان داد و سطح این مهارت‌ها در دانشجویان دکتری بیشتر از دو مقطع دیگر بود. همچنین از نظر گرایش کارآفرینانه و تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز دانشجویان دکتری به طور معناداری بالاتر از سایر دانشجویان بوده و این تفاوت بین دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی نیز مشاهده شد. بنابراین گرایش و میل به ایجاد کسب‌وکار با افزایش مقطع تحصیلی در بین دانشجویان تقویت شده است و در صورت فراهم شدن زیرساخت‌ها و بستر لازم، می‌توان شاهد راه‌اندازی کسب‌وکارهای تخصصی با نیروهای کار تحصیل‌کرده و متخصص بود. همچنین می‌توان در عملیاتی نمودن برنامه‌های اشتغال‌پذیری، برگزاری کارگاه‌های مهارتی و رویدادهای کارآفرینی از نیروهای دانشجویی تحصیلات تکمیلی به عنوان منتور یا مربی استفاده نمود.

روستایی استان فارس: کاربرد مقیاس تاب‌آوری در طول عمر کسب‌وکار. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۷ (۱۳): ۱۲-۲۳.

عمل، آشنایی یا محیط‌های شغلی احتمالی آتی دانشجویان، آشنایی با افراد مؤثر در اشتغال آنان به عنوان خروجی دوره کارآموزی لحاظ گردد. همچنین، با توجه به سطح متوسط گرایش کارآفرینانه دانشجویان، توصیه می‌شود که با پیگیری استراتژی‌های آموزشی، اجرایی، حمایتی و انگیزشی، به نوعی سطح گرایش کارآفرینانه دانشجویان از نظر پنج مؤلفه‌ی این مفهوم شامل نوآوری، ریسک‌پذیری، پیشگامی، رقابت‌تهاجمی و استقلال در دوران تحصیل تقویت شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که اکثر دانشجویان تمایل به ایجاد کسب‌وکار دارند اما از لحاظ پیش‌زمینه‌های موردنیاز این کار مانند جرأت‌ورزی، خلاقیت، ابتکارعمل و مستقل بودن، ضعیف هستند.

دانشجویان مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از لحاظ معدل و شرکت در کارگاه‌های مهارتی دارای تفاوت معناداری بودند؛ به طوری که میانگین معدل و میزان شرکت در کارگاه‌های مهارت‌آموزی در دانشجویان دکتری بالاتر از مقطع ارشد بوده و پس از آن دانشجویان کارشناسی قرار گرفتند. این یافته نشان می‌دهد که دانشجویان تحصیلات تکمیلی با وجود درگیر شدن با فرآیند پژوهش، اما کماکان نسبت به حضور در کارگاه‌های مهارتی نیز احساس نیاز کرده و شرکت می‌کنند. بنابراین در صورت طراحی و اجرای انواع کارگاه‌های مهارتی می‌توان انتظار داشت که از همه مقاطع (از کارشناسی تا تحصیلات تکمیلی) مخاطبین دوره‌ها بوده و پیگیری نمایند و در صورت برگزاری کارگاه‌های باکیفیت، ماحصل آن نیز ارتقای سطح

منابع

۱. بادزبان، ف.، رضائی مقدم، ک. و فاطمی، م. ۱۳۹۹ الف. کارآفرینی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط زنان

۲. بادزبان، ف.، رضائی مقدم، ک.، فاطمی، م. ۱۳۹۹. آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر کسب و کارهای زنان روستایی. فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن، ۱۷ (۳): ۸۴-۶۹.
۳. بارانی، ش.، زرافشانی، ک.، دلانگیزان، س. و حسینی لرگانی، م. ۱۳۸۹. تأثیر آموزش کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه پیام نور: رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزی عالی، ۵۷: ۸۵-۱۰۵.
۴. حسینی‌نیا، غ.، مقدس فریمانی، ش. و جعفری، ا. ۱۳۹۶. تأثیر گرایش کارآفرینانه شرکت‌های تعاونی تهیه و تولید نهاده‌ها و ادوات کشاورزی بر عملکرد آن‌ها: با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری گرایش به بازار. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۶ (۲۲): ۳۵-۱.
۵. خوشنویسان، ف.، و نصر، ا.، نیستانی، م. و شریف، م. ۱۳۹۵. بررسی نیاز آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه قابلیت‌های عام اشتغال‌زای موردانتظار کار با رویکرد کارآفرینی: یافته‌های یک مطالعه آمیخته. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۸۴-۲۶: ۶۸.
۶. زهیری، ح.، امیرحسینی، ز. و فریدچهر، ا. ۱۳۹۵. تأثیر قابلی‌های بازاربازی، نوآوری و گرایش کارآفرینانه از طریق متغیر شبکه اجتماعی بر عملکرد. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۷ (۲۳): ۴۵-۶۰.
۷. سعیدی‌رضوانی، م.، محمدحسین‌زاده، م. و باغگلی، ح. ۱۳۸۹. سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱ (۲): ۸۶-۵۷.
۸. شادفر، ح.، لیاقتدار، م.ج. و شریف، م. ۱۳۹۰. بررسی میزان انطباق برنامه‌ی درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۶۲: ۱۲۳-۱۴۶.
۹. شریفی اسدی ملفه، ف.، خراسانی، ا.، فتحی و اجارگاه، ک. و صالحی عمران، ا. ۱۳۹۸. تعیین مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی با رویکرد
- آمیخته اکتشافی. دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌ی درسی، ۷ (۱۳): ۲۹-۵۲.
۱۰. عبدالوهابی، م.، رومیانی، ی. و ظریف، س. ۱۳۹۲. بررسی مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷۰: ۷۴-۵۱.
۱۱. علم‌بیگی، ا. ۱۳۹۴. گرایش به راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی بر پایه شور و شوق کارآفرینانه دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۴: ۷۹-۸۹.
۱۲. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۷. گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری. بازیابی شده از: <http://www.amar.org>
۱۳. وطن‌خواه، ن. و رضائی مقدم، ک. ۱۳۹۴. شناخت روحیه کارآفرینی دانشجویان: مورد مطالعه دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۱ (۱): ۷۹-۵۲.
14. Alibaygi, A.H., Barani, S., Karamidehkordi, E. and Pouya, M. 2013. Employability determinants of senior agricultural students in Iran. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 15: 673-683.
15. Atitsogbe, K.A., Mama, N.P., Sovet, L., Pari, P. and Rossier, J. 2019. Perceived employability and entrepreneurial intentions across university students and job seekers in Togo: The effect of career adaptability and self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 10: 1-14.
16. Bell, R. 2016. Unpacking the link between entrepreneurialism and employability: An assessment of the relationship between entrepreneurial attitudes and likelihood of graduate employment in a professional field. *Education and Training*, 58 (1): 2-17.
17. Billing, D. 2003. Generic cognitive abilities in higher education: An international analysis of skills sought by stakeholders. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 33 (3): 335-350.
18. Bosso, O., Fayolle, A. and Bouchard, V. 2009. Entrepreneurial orientation: The making of a concept. *International*

- of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing*, 15: 411-432.
29. Madanoglu, M., Altinay, L. and Wang, X.L. 2016. Disentangling the effect of family involvement on innovativeness and risk taking: The role of decentralization. *Journal of Business Research*, 69 (5): 1796-1800.
 30. Moriano, J.A.L. and Gorgievski, M. 2007. *Psychology of entrepreneurship: Research and reduction*. Spain: UNED.
 31. Rezaei-Moghaddam, K. and Izadi, B. 2019. Entrepreneurship in small agricultural quick-impact enterprises in Iran: Development of an Index, effective factors and obstacles. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9 (17): 1-21.
 32. Rodrigo-Alarcón, J., García-Villaverde, P.M., Ruiz-Ortega, M.J. and Parra-Requena, G. 2017. From social capital to entrepreneurial orientation: The mediating role of dynamic capabilities. *European Management Journal*, 8: 1-15.
 33. Sanz-Velasco, S.A. and Saemundsson, R. 2008. Entrepreneurial learning in academic spinoffs: A business model perspective. *International Journal of Entrepreneurship and Innovation Management*, 8 (1): 15-35.
 34. Tajeddini, K. 2010. Effect of customer orientation and entrepreneurial orientation on innovativeness: Evidence from the hotel industry in Switzerland. *Tourism Management*, 31 (2): 221-231.
 35. Voda, A.I. and Florea, N. 2019. Impact of personality traits and Entrepreneurship education on entrepreneurial intentions of business and engineering students. *Sustainability*, 11: 1-34.
 33. Wales, W.J. 2016. Entrepreneurial orientation: A review and synthesis of promising research directions. *International Small Business Journal*, 34 (1): 3-15.
 36. Zhai, Y.M., Sun, W.Q., Tsai, S.B., Wang, Z., Zhao, Y. and Chen, Q. 2018. An empirical study on entrepreneurial orientation, absorptive capacity, and SMEs' innovation performance: A sustainable perspective. *Sustainability*, 10: 1-14.
 - Journal of Entrepreneurship and Innovation, 10 (4): 313-321.
 19. Clark, B.R. 2010. The entrepreneurship university demand and response: Theory and practice. *Tertiary Education Management*, 4 (1): 5-16.
 20. Clausen, T. and Korneliusen, T. 2012. The relationship between entrepreneurial orientation and speed to the market: The case of incubator firms in Norway. *Technovation*, 32 (9-10): 560-567.
 21. Covin, J.G. and Lumpkin, G.T. 2011. Entrepreneurial orientation theory and research: Reflections on a needed construct. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35 (5): 855-872.
 22. Hughes, M. and Morgan, R.A. 2007. Deconstructing the relationship between entrepreneurial orientation and business performance at the embryonic stage of firm growth. *Industrial Marketing Management*, 36: 651-661.
 23. Ibrahim, N.A. and Lucky, E.O. 2014. Relationship between entrepreneurial orientation, entrepreneurial skills, environmental factor and entrepreneurial intention among Nigerian students in UUM. *Entrepreneurship and Innovation Management Journal*, 2 (4): 203-213.
 24. Ismail, K., Anuar, M.A., Omar, W.Z., Aziz, A. A., Seohod, Kh. and Akhtar, C.S. 2015. Entrepreneurial intention, entrepreneurial orientation of faculty and students towards commercialization. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 181: 349-355.
 25. Jackson, D. 2015. Employability skill development in work integrated learning: Barriers and best practice. *Studies in Higher Education*, 40 (2): 350-367.
 26. Jalali, Kh. 2004. Regulation of graduate employment of agricultural and natural resources. *Quarterly Periodical of Agricultural Engineering System and Natural Resources*, 2: 19-23.
 27. Kantur, D. 2016. Strategic entrepreneurship: Mediating the entrepreneurial orientation performance link. *Management Decision*, 54: 24-43.
 28. Krueger, N.F., Reilly, M.D. and Carsrud, A.L. 2000. Competing models



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 7(1), 2020

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/jead.2021.18881.1459

Entrepreneurial Orientation of the Students of School of Agriculture at Shiraz University

M. Gholami¹, M. Fatemi^{2*}

¹M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture,
Shiraz University, Shiraz, Iran

²Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture,
Shiraz University, Shiraz, Iran

Received: 20/02/2021; Accepted: 29/03/2021

Abstract

Entrepreneurship skills development is an effective action in order to reduce unemployment concerns. Analysis of entrepreneurial orientation of the students of School of Agriculture at Shiraz University was the main aim of the study. A total students of the School of Agriculture (1874 individuals) were considered as research population and a sample of 365 students was selected through stratified random sampling for data collection in this descriptive study using survey. Face validity and reliability of the questionnaire were confirmed by a panel of professors in the Department of Agricultural Extension and Education of Shiraz University as well as conducting a pilot study in 30 students out of the main sample (Cronbach's alpha: 0.76-0.91). Data was analyzed using SPSS₂₆ and different descriptive and inferential statistics. Findings revealed there was not any differences between female and male students as any kinds of employability skills, entrepreneurial orientation and their tendency to starting a business. But it could be seen some statistical differences among the students of different levels of bachelor, master and Ph.D. in terms of skill workshop attendance, employability skills and entrepreneurial orientation, that the variables mean was higher in graduate students than the bachelors. Also, the respondents were categorized due to their entrepreneurial orientation and tendency to starting a business which indicate differences between groups in terms of the triple employability skills, skill workshops attendance as well as startup experience. Finally, some suggested strategies were provided in order to improve the entrepreneurial orientation and employability skills of the students.

Keywords: Employability, Entrepreneurial orientation, Tendency to starting a business, Internship, Shiraz University.

*Corresponding author; mahsafatemi@shirazu.ac.ir

